

پرده نقره‌ای

«آن شب» با شهاب حسینی در نگاه نو جشنواره فجر



محمد درمنش، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «آن شب» درباره آخرین وضعیت این پروژه سینمایی گفت: «آن شب» اولین اثر سینمایی کورش آهاری است که در بخش نگاه نویسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شود.

کورش آهاری کارگردان «آن شب» گفت: هر چند فرم حضور در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر را هم پر کرده بودم، اما به دلیل آن که این اثر سینمایی یک فیلم وحشتناک است و صدا و موسیقی از اهمیت بسیاری دارد، تصمیم گرفتم که آماده‌سازی این پروژه با عجله انجام ندهیم که به فیلم لطمه بخورد.

داستان این فیلم درباره یک زوج ایرانی در آمریکا است که در یک هتل محبوس شده‌اند در حالی که نیروهای بیگانه‌ای آن‌ها را وادار می‌کنند که با رازهایی که از هم پنهان کرده‌اند روبه‌رو شوند. در مراحل تولید تهیه‌کنندگی این فیلم را دو سینماگر آمریکایی یعنی الکس بر و توباهمراهی جفری الارد برعهده داشتند اما حالا بر اساس اعلام سازمان سینمایی تهران محمد درمنش به عنوان تهیه‌کننده فیلم ثبت شده است.

در این فیلم بازیگرانی چون شهاب حسینی، امیرعلی حسینی، آرمن مهر، گلبرگ خاوری، علی کوششی و بازیگر خردسال لیلا گانین هستند که در کنار بازیگران خارجی: لی لی ویکی، جرج مگوایر، استر لیتیم، مایکل گرم و جیمیاور حضور دارند.

شام ایرانی» کلید خورد

«شام ایرانی» با حضور جمعی از چهره‌های ایرانی و خارجی برای بخش در شبکه نمایش خانگی تولید می‌شود. گروه اولی که در این مجموعه به رقابت با یکدیگر می‌پردازند پوریا پورسرخ، نیما شاهرخ شاهی، سامان گوران و امره تتیکل بازیگر ترکیه‌ای هستند که در یک گروه قرار گرفته‌اند. اولین لوکیشن تولید این سریال که خانه یکی از بازیگران پروژه است، در فشم قرار گرفته و فیلمبرداری کار در این لوکیشن آغاز شده است. شبنم قلی‌خانی، سیمین آذین، مارال فرجاد، نگین معتمدی و حامد آهنگی در کنار گلشن قیزی بازیگر آذربایجانی دیگر چهره‌هایی هستند که در «شام ایرانی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سعید ابوطالب حضور دارند.

«کتونی زرتگی» در پای برزو ارجمند و سحر ولدبیگی



با پیوستن برزور ارجمند و سحر ولدبیگی به جمع بازیگران سریال کمدی «کتونی زرتگی» به کارگردانی علی ملاقلی پور و تهیه‌کنندگی محمدرضا شافیه، نخستین تصاویر از نقش آفرینی آنها منتشر شد.

تاکنون بیش از ۷۰ درصد از تصویربرداری «کتونی زرتگی» انجام شده و کار تدوین و صداگذاری آن بطور هم‌زمان در حال انجام است. «کتونی زرتگی» با بازی هدایت هاشمی، افسانه چهره آزاد، ملیکا شریفی نیا، علی سلیمانی، جواد پوزوند، شاپور کلهبر، بامعرفی زوج علیرضا جعفری و مصطفی ساسانی، محمود جعفری، برزور ارجمند و سحر ولدبیگی و بازیگران خردسال رامهرمزرجوی و عماد شعبانی برای بخش در زمستان امسال از شبکه سه سیما آماده می‌شود. در خلاصه داستان این کمدی اجتماعی آمده است: «آقام همیشه میگه زرتگ ته چاهه... ولی نمی‌دونه گاه من ته چاهم باشم، کتر چاهی ام، بالاخره می‌پریم.»

«جهان با من برقص» در این روزگار عجیب و غیر قابل باور شاید هم رتال ترین کار اکران باشد، از آن جهت که نظیرش را نداشتیم و حجم این جفنگ سیاه، مرز میان آن چه که واقعی و فراقاچی است را بار یک تر از هر دوران دیگری کرده است

می‌کنند و حمید در گفت و گویی عریان، اعتراف می‌کند که ناهید برای پولش او را می‌خواهد اصلا ملک و املاک هم بخشی از خود او (حمید) است. سکاسی که نظیرش را از لحاظ مضمونی نداشتیم و از لحاظ اجرا هم در نهایت دقت پرداخت شده و یا آن سکاسی که بهمین، رضا را در طولیه غافلگیر می‌کند و رضایلاحت خودش در بازی با یک تسوب فوتیال خیالی ادامه می‌دهد و حتی بهمین هم آن توپ را در نهایت باور می‌کند.

این مثال آخری نمونه‌ای از همان سورتالی است که در فوق لیسانسه‌ها هم بارها دیده بودیم و حالا صحت پیش‌قراول آن شده. در هر صورت «جهان با من برقص» در این روزگار عجیب و غیر قابل باور شاید هم رتال ترین کار اکران باشد، از آن جهت که آن چه که از زبان مسئولین می‌شنویم و آن چه که در خیابان‌ها و تریبون‌ها در حال وقوع است یک دیستوپای کم‌سابقه است که نظیرش را نداشتیم و حجم این جفنگ سیاه، مرز میان آن چه که واقعی و فراقاچی است را بار یک تر از هر دوران دیگری کرده است.

حالا شاید باید از سر جبر و بناچار، جهان پس از مرگ را مثل آن سکاس پایانی فیلم ببینیم و شاید هم اگر این دنیا کام نداد، آن دنیا همه با هم برقصیم و دشمنی یادمان برود. مثل احسان و فرخ فیلم، مثل سید و قدرت گوزن‌ها و مثل آن دیالوگی که این روزها از نان شب واجب‌تر است، دیالوگی که ارتباط وثیق با «جهان با من برقص» هم دارد، همان که بهروز وثوقی در گوزن‌ها می‌گوید: «تنامون ضایع شده، رفاقتمون که جایی نرفته باوفا»

دارد در عین اعتماد به نفس در ترانه‌اش می‌گوید: «مثل ماهی‌ها در اوج» و اگر پرسش بدیهی جهان نبود که: «مگر ماهی‌ها در اوج هستند» شایان هیچ وقت «عقاب» را جایگزین «ماهی» در شعرش نمی‌کرد!

در واقع کاری که صحت و صفایی دو فیلمنامه‌نویس کار کرده‌اند، ساختن فضای یکدستی است که آدم‌هايش در بافت اثر جا دارند و بیرون نمی‌زنند. باور و ادرون مایه‌ی فیلم به عنوان عنصری تزریقی یا الصاق شده به نظر نمی‌رسد و این از هر علتی بیشتر به دلیل همان چیزی است که در یادداشت‌های فیلم بر آن تاکید زیادی می‌شود، چیز سهل و ممتنعی به نام «شخصیت پردازی» که در «جهان با من برقص» این مهم حداقل درباره نیمی از کاراکترها به خوبی اجرا شده. از همین جهت هم هست که فیلمساز می‌توان حرفش را به گوش مخاطب برساند و به قولی داستان‌ش گنگ نیست، شاید این فضا را نپسندید اما نمی‌توانید انکار کنید که حرف فیلم شفافیت ندارد.

دوست داشتن یا نداشتن فیلم هم بیشتر وابسته به این است که تا چه اندازه جایی برای بازبگوشی و شیطنت در ذهنتان حفظ کرده باشید در واقع برای تماشای چنین فیلمی در دقایقی باید عالم فرزانه و پیر دیر باشید و در جایی دیگر هم باید کودکی چهارساله باشید که تن به هیچ قاعده‌ای نمی‌دهد.

در پایان حیفم آمد که اشاره‌ای به چند سکانس نمونه‌ای از ماندگار فیلم نکنم. سکانس‌هایی که به تیراز برنامه‌های سینمایی راه پیدا خواهند کرد و بعدها در شبکه‌های اجتماعی بارها و بارها دیده خواهند شد. سکانس‌هایی که حمید و احسان جلوی ایوان ویلا درباره حسن ناهید و بر حمید صحبت و در واقع کل



هم... هم به همان روال همیشگی یک متن اعتراضی را به اشتراک گذاشتند که البته در شرایط فعلی ضرب نفوذ خاصی ندارد و فضا را دیکال‌تر از این حرف‌هاست. برخی هنرمندان تجسمی و هنرمندان عرصه تئاتر

و... هم به همان روال همیشگی یک متن اعتراضی را به اشتراک گذاشتند که البته در شرایط فعلی ضرب نفوذ خاصی ندارد و فضا را دیکال‌تر از این حرف‌هاست. برخی هنرمندان تجسمی و هنرمندان عرصه تئاتر



چهارمین جشنواره فیلم فجر در تهران برگزار شد. در این مراسم، فیلم «جهان با من برقص» به عنوان یکی از آثار برنده معرفی شد.

درباره فیلم «جهان با من برقص»  
تنامون ضایع شده، رفاقتمون که جایی نرفته باوفا



مرگ هم بحث تمام روزهای تمام آدم‌هاست و از قضا سروس صحت هم نسبتش با زمانه را حفظ کرده و گمان نکنید چون موضوعی جهان شمول ساخته پس فیلمش اینجایی نیست و احیای بی‌ربط است. تاکید چندباره و رندانه بر نقش اینستاگرام نه به شکلی که توی چشم مخاطب فرورود و نه طوری که فکر کنید قسمتی از «کلید اسرار» را می‌بینید، از جمله ظرافت‌های پر شمار «جهان با من برقص» است. جایی از فیلم ناهید با همان بلاهت دائمی اش عکس یکی از آشنایان را به جهان نشان می‌دهد که در آستانه ترک دنیا است و ناهید خطاب به جهان می‌گوید هر آخر هفته به پیج آن آشنا می‌رود و برایش فاتحه می‌فرستد! او از جهان می‌خواهد که مقابل دوربین گوشی‌اش قرار بگیرد و البته اجازه هم می‌گیرد که پس از مرگ جهان، پستی به یاد او منتشر کند! هم‌زمان پس از عکس برداری از جهان ناهید با گفتن «آخی» پیشاپیش تالمش را از فقدان احتمالی جهان در یکی دو ماه آینده ابراز می‌کند!

در جایی دیگر و در سکانس شبانه مواجهه جهان با شایان در ایوان آن ویلا خاص! جهان که نگران دنیای پس از خودش است از شایان می‌خواهد که چیزهای بیشتری از

در طولیه را ترجیح می‌دهد و حتی منتظر پاسخ از او می‌ماند؟ در حالی که همان رفتار تأکیدی دراماتیک بر جهان تنهای داستان است و اتفاقا پیش‌زمینه‌ای می‌شود برای پیشبرد درون‌مایه مورد نظر سازنده فیلم. یا اگر نخواهیم با فضای فیلم همراه شویم می‌توانیم از حجم بلاهت ناهید شاکلی باشیم و اصلا مطابق قاعده رئالیسم سیاه پر تکرار، چنین کاراکتری را غیرواقعی و دروغین بدانیم. اصلا مگر می‌شود که در گردهمایی چند دوست به بهانه‌ی مرضی تشدید شده جهان، و در حالی که او امیدوارانه از یک سال بعد می‌گوید ناگهان کسی (ناهید) در بیاید و یادآوری کند که: «مگر شما سال بعد چیز نیستی». تماشاگر رتال پسند و نکبت‌زده این سال‌ها در این اثر ساختار و اصالت می‌دهد. پیش از این در یادداشتی راجع به «فوق لیسانسه‌ها» هم نوشته بودم که سروس صحت نوعی از هجو را ارائه می‌دهد که نیازمند درک از سمت مخاطب است. یعنی شما در مواجهه با فیلمی مثل «جهان با من برقص» باید برخی قواعد کار را بپذیرید، و گرنه امکان دارد کل جهان داستانی به نظر شما باطل باشد و اصلا آدم‌هايش را باور نکنید. مثلا جهان چسار در میانه‌ی آن همه دوست و آشنا هم‌نشینی با گاوش

در طولیه را ترجیح می‌دهد و حتی منتظر پاسخ از او می‌ماند؟ در حالی که همان رفتار تأکیدی دراماتیک بر جهان تنهای داستان است و اتفاقا پیش‌زمینه‌ای می‌شود برای پیشبرد درون‌مایه مورد نظر سازنده فیلم. یا اگر نخواهیم با فضای فیلم همراه شویم می‌توانیم از حجم بلاهت ناهید شاکلی باشیم و اصلا مطابق قاعده رئالیسم سیاه پر تکرار، چنین کاراکتری را غیرواقعی و دروغین بدانیم. اصلا مگر می‌شود که در گردهمایی چند دوست به بهانه‌ی مرضی تشدید شده جهان، و در حالی که او امیدوارانه از یک سال بعد می‌گوید ناگهان کسی (ناهید) در بیاید و یادآوری کند که: «مگر شما سال بعد چیز نیستی». تماشاگر رتال پسند و نکبت‌زده این سال‌ها در این اثر ساختار و اصالت می‌دهد. پیش از این در یادداشتی راجع به «فوق لیسانسه‌ها» هم نوشته بودم که سروس صحت نوعی از هجو را ارائه می‌دهد که نیازمند درک از سمت مخاطب است. یعنی شما در مواجهه با فیلمی مثل «جهان با من برقص» باید برخی قواعد کار را بپذیرید، و گرنه امکان دارد کل جهان داستانی به نظر شما باطل باشد و اصلا آدم‌هايش را باور نکنید. مثلا جهان چسار در میانه‌ی آن همه دوست و آشنا هم‌نشینی با گاوش

ایمان عبدلی

فیلمنامه «جهان با من برقص» بر مبنای درون‌مایه‌ی «مرگ» پی‌ریزی شده و سروس صحت با دستاویز قرار دادن یک موضوع ازلی و ابدی موفق شده در حالی مشنگ‌وار و سرخوشانه مثل لحظات ابتدایی نشنگی داستانی را تعریف کند که بر اتفاقا مدرن است. از آن جهت که بر جنبه‌های وجودی خلقت و انسان‌تاکید دارد و از طرفی کلاسیک است، چون دائما مورد توجه بوده و هیچ وقت از اهمیت آن کاسته نمی‌شود.

«جهان با من برقص» البته سرشار از قواعدی است که عامدانه نقض می‌شود و اصلا همین کلیشه‌گشی‌ها به طنز موجود در این اثر ساختار و اصالت می‌دهد. پیش از این در یادداشتی راجع به «فوق لیسانسه‌ها» هم نوشته بودم که سروس صحت نوعی از هجو را ارائه می‌دهد که نیازمند درک از سمت مخاطب است. یعنی شما در مواجهه با فیلمی مثل «جهان با من برقص» باید برخی قواعد کار را بپذیرید، و گرنه امکان دارد کل جهان داستانی به نظر شما باطل باشد و اصلا آدم‌هايش را باور نکنید. مثلا جهان چسار در میانه‌ی آن همه دوست و آشنا هم‌نشینی با گاوش

یادداشت

هنرمند متعهد یا هنرمند غیر متعهد؟

واکنش‌های هنرمندان به سقوط پرواز مرگ

آبان نامجو

فاجعه پشت فاجعه! این‌آخری و ماجرای سقوط هواپیما چون بالاپوشانی و دروغ جمعی مسئولین همراه بود، شدیداً احساسات عمومی را جریحه دار کرده. خیلی کار سختی نیست و می‌توانید هر لحظه از شبانه روز موبایل به دست شوید و نگاهی به اینستاگرام ببینید یا با یک چشم عمومی بی‌سابقه روبرو شوید. در چنین شرایطی موضع‌گیری هنرمندان، ارزشی دوچندان خواهد داشت از آن جهت که هر کدام که بی‌موضع بمانند از قضاوت افکار عمومی فوق‌خمشگین جان سالم به در نخواهند

برد. اما خب موضع‌گیری شخصی چیزی است و موضع‌گیری صنفی چیز دیگری! اولی می‌تواند در حد یک پست اینستاگرامی باشد و با در نمونه‌ی متعالی آن به انصراف از جشنواره فجر برسد، دومی هم می‌تواند یک برگ کاغذ باشد و با یک تصمیم جمعی محکم! اینجای کار را مخاطب آن هنرمند یا سلبریتی باید تشخیص بدهد که این هم ادامه‌ی یک فرورمنس است یا یک تصمیم صادقانه، چون به هر حال دروغ هم می‌تواند وجوه متفاوت و رنگارنگی داشته باشد. در میان واکنش‌ها از همه عجیب‌تر رضا درمیشیان و هدیه‌ی تهرانی و جعفر پناهی بودند که به خیابان رفتند و همراه مردم

معترض شدند. مسعود کیمیایی اما بر سر و صداترین واکنش را داشت و از جشنواره فیلم فجر انصراف داد. اگر چه چند ساعت بعد تهیه‌کننده فیلم، تصمیم کیمیایی را محدود به بخش کارگردانی کرد و گفت که فیلم را در جشنواره حفظ می‌کند. برخی مثل محسن چاوشی هم دم‌دستی‌ترین نوع واکنش را نشان دادند و با اشتراک‌گذاری یک ویدئو ابراز همدردی کردند.

واکنش رخشان بنی‌اعتماد اما کمی متفاوت بود. او فراخوان یک تجمع مردمی برای ادای احترام به جانبختگان پرواز مرگ را داد و چند ساعت بعد از آن فراخوان به نوعی انصراف داد. امثال ژوله و مریلا زارعی